

الگوهای غیر معیار در زبان مطبوعات

حسن ذوالفقاری*

E-mail: Zolfagari_hasan@yahoo.com

چکیده:

زبان مطبوعات یکی از مصداق‌های زبان معیار است. انتظار می‌رود چنین زبانی خالی از ایراد و اشکال باشد. نخستین گام در راه رفع ایرادهای احتمالی زبان مطبوعات و به کار بستن تجویزهای زبان‌شناختی، توصیف دقیق زبانی است که در بخش‌های مختلف مطبوعات به کار می‌رود. ابتدا باید به طور دقیق، علمی و مستند، به توصیف دقیق اشکالات زبان مطبوعات پرداخت و آنها را طبقه‌بندی و تحلیل کرد و آنگاه الگوها و ساختارهای معیار را تجویز کرد. چنین توصیفی، مواد خام بسیاری نیز برای اجرای تحقیقات دیگر فراهم می‌سازد.

پژوهش حاضر برای آنکه راه اجرای پژوهش‌های بعدی در این حوزه را هموار کند، به معرفی بنیادین مباحث نظری برای تحلیل زبان مطبوعات پرداخته است. این تحقیق، پشتوانه نظری را برای هرگونه تحلیلی در عرصه زبان مطبوعات فراهم می‌آورد. با توجه به مباحث نظری، تعداد مشخصی از جمله‌های بخش‌های مختلف مطبوعات از نظر اشکالات ویرایشی در حوزه‌های فنی، زبانی و بلاغی بررسی شده‌اند و ضمن اشاره به مهمترین اشکالات آنها سعی شده است صورت‌های جایگزین و متناسب با زبان معیار فارسی پیشنهاد شود.

کلیدواژه‌ها: زبان مطبوعات، الگوهای زبانی، زبان غیرمعیار، زبان معیار

زبان فارسی و هویت ملی

زبان رمز هویت ملی، محور فرهنگ، ابزار ارتباطات و حامل اندیشه‌های انسانی است. تضعیف یا تقویت زبان گاه باعث تضعیف نظام سیاسی و فروپاشی ملی و یا برعکس، باعث قوت و اعتبار هویت ملی افراد می‌شود. غنای زبانی موجب غنای ادبی و برعکس می‌گردد. ادبیات و زبان غنی و پرمایه، فرهنگ‌ساز است و تفاوت فرهنگی ملتی را با ملت دیگر نشان می‌دهد.

گروهی (فالک، ۱۳۷۳؛ کوزر، ۱۳۷۷: ۳۳) زبان را مهم‌ترین عنصر هویت ملی می‌دانند؛ زیرا زبان پایه و مایه فرهنگ، تاریخ‌ساز، مهم‌ترین وسیله انتقال تجربیات، دانش و پیش‌بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان است. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن در ایجاد همبستگی گروهی است. همچنین، زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت شمرده‌اند (بیگدلی، ۱۳۷۶: ۱۹۸؛ میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

موضوع و اهمیت پژوهش

زبان، پدیده‌ای تأثیرپذیر است و زبان فارسی تحت تأثیر ساخت‌های زبان‌های بیگانه، بیش از حد در حال دگرگونی است و در صورتی که بین تثبیت و تحول آن نوعی تعادل برقرار نشود، به مرور زمان، سلامت خود را از دست می‌دهد. مردم ایران در حال حاضر زبان خود را با رسانه‌ها محک می‌زنند و به ویژه، جوانان اطلاعات خود را اغلب از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنند. در نتیجه، زبان رسانه‌ها بلامنزاع پذیرفته می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۵: ۶۱).

زبان رسانه‌های گروهی، به ویژه مطبوعات، گاهی معایب و اشکالاتی اساسی دارد. این معایب و اشکالات، یا ناشی از ناآگاهی از قواعد ساختمان زبان فارسی و یا ناشی از اشکالات منطقی، بلاغی، تلفظی و بیانی است. رسانه‌ها روز به روز الگوهای زبانی غیرمعیار را بیشتر رواج می‌دهند. بنابراین، لازم است این الگوها شناخته و بررسی شوند و در صورت امکان، کنترل گردند یا الگوهای معیار جایگزین آنها شوند.

زبان فارسی با تاریخ و فرهنگ و تمدن ما پیوندی دیرینه و ناگسستنی دارد؛ به طوری که امروزه یکی از مهم‌ترین ارکان هویت ملی ما ایرانیان به حساب می‌آید. به همین دلیل، پاسداری و تقویت زبان فارسی، ارج نهادن به این میراث ارزشمند فرهنگی و استحکام بخشیدن به بنیان هویت ملی ما قلمداد می‌شود. علاوه بر این، زبان فارسی

زبان رسمی کشور ما و زبان آموزش و ارتباطات فکری و علمی ماست و بخش مهمی از تفکر ما در چارچوب قواعد این زبان شکل می‌گیرد. به همین علت، کیفیت ارتباطات فکری و رشد علمی و فنی ما کاملاً وابسته به کیفیت زبان ما یعنی زبان فارسی است. در این تحقیق، زبان تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات پرشمارگان را از این دیدگاه بررسی می‌کنیم. یعنی الگوهای زبانی غیرمعیار را در این مطبوعات جستجو و به جای آنها الگوهای زبانی معیار را مطابق قواعد ساختمان زبان فارسی پیشنهاد و راه‌های پرهیز از کاربرد الگوهای غیرمعیار را معین می‌کنیم. برای اینکه تحقیق چندجانبه بوده و نتیجه مطلوب داشته باشد، زبان تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات متنوع، که از سطوح و گونه‌های مختلف زبانی استفاده می‌کنند، هر یک با استفاده از قواعد و اصول خاص همان گونه زبانی، بررسی خواهد شد.

عوامل فرهنگی و اجتماعی باعث شده است اقشاری از مردم ایران بدون هیچ مانعی زبان رسانه‌هایی چون روزنامه‌ها و مجلات را به عنوان زبان معیار بپذیرند. به هر روی، هر جامعه باید زبان معیاری داشته باشد تا به عنوان مهمترین عامل ارتباطی در میان افراد جامعه، به کار برده شود. هرچه الگوهای زبانی غیرمعیار رواج پیدا کنند، به مرور زمان به عنوان الگوهای معیار پذیرفته می‌شوند. در نتیجه، زبان از جنبه‌های مختلف معیوب و ناقص می‌شود و اگرچه در ظاهر بتواند به نقش ارتباطی خود ادامه دهد، اما قواعد آن فرومی‌ریزد و صرف و نحو آن دچار تغییر و اشکال می‌شود.

برای مراقبت از ارکان زبان فارسی و جلوگیری از تحول آن باید الگوهای زبانی غیرمعیار را در مجاری مهم ارتباطی همچون مطبوعات شناخت و مورد تحلیل و بررسی قرار داد و شیوه‌های کاربرد این الگوهای غیرمعیار را در لایه‌های سه‌گانه زبان کاوید.

پیشینه تحقیق

درباره اشکالات و ایرادات زبانی در رسانه‌ها، تا کنون بسیاری از متخصصان اظهار نظر کرده‌اند. منتقدان معمولاً همراه با انتقادهای خود، مثال‌هایی از اشتباهات نگارشی، دستوری، رسم‌الخطی و مانند آن آورده و با استناد به این مثال‌ها، انتقادات خود را وارد دانسته‌اند. مدرسی (۱۳۷۶)، پژوهشی در واژه‌های بیگانه اروپایی در نشریات فارسی، در دفتر پژوهش‌های فرهنگی به انجام رسانده که تنها از زاویه واژه‌های بیگانه در مطبوعات به این موضوع، پرداخته است.

ابراهیمی (۱۳۷۹)، در پایان‌نامه خود با عنوان «زبان در مطبوعات»، نثر مطبوعاتی را از زاویه زبان‌شناسی بررسی کرده است.

صادقی (۱۳۸۱)، در گزارش پژوهشی خود با عنوان «عوامل مؤثر بر زبان صدا و سیما»، به سفارش مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما، به موضوع از زاویه دید رسانه ملی پرداخته است.

سارلی (۱۳۸۵)، در گزارش پژوهشی خود با عنوان «بررسی اشکالات نحوی زبان خبر بر اساس دستور ساختاری»، که در مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما به انجام رسیده است، تنها از بعد نحو جمله و آن هم در صدا و سیما به موضوع پرداخته است. بنابراین، تا کنون، هیچ تحقیق یا گزارش مستندی درباره الگوهای زبانی غیرمعیار در زبان مطبوعات انجام نشده است.

سؤال‌های تحقیق

- آیا الگوهای زبانی غیرمعیار در بیش از ۳۰ درصد از جمله‌های مطبوعاتی وجود دارند؟
- آیا بیشترین الگوهای زبانی غیرمعیار مربوط به بخش‌های خبری در موضوعات سیاسی و اجتماعی است؟
- آیا الگوهای زبانی غیرمعیار در مطبوعات محلی و عامه‌پسند بیش از مطبوعات سراسری دیده می‌شوند؟
- آیا بیشترین الگوهای زبانی غیرمعیار، به ترتیب در حوزه‌های فنی، زبانی و بلاغی دیده می‌شوند؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل محتوا، ۱۲۳۲۰ جمله از ۲۲ نشریه انتخاب گردید. از میان نشریات سراسری، ۶۷۲۰ جمله انتخاب شد. این نشریات شامل آفتاب یزد، ابرار، اطلاعات، اعتماد، ایران، جام جم، جمهوری اسلامی، رسالت، شرق، کیهان، همبستگی و همشهری هستند و از میان نشریات عامه‌پسند، ۴۴۸۰ جمله انتخاب شد. این نشریات شامل آدینه، ابرار ورزشی، استقلال جوان، به سوی افتخار، پیروزی، خانواده سبز و راه زندگی هستند. از میان نشریات محلی نیز ۱۱۲۰ جمله انتخاب شد. این نشریات طاق بستان، امین و خبر جنوب هستند. نشریات به طور تصادفی از روز ۸۴/۱۰/۱۲ انتخاب و از هر مجله، به‌طور مساوی، ۵۶۰ جمله در هشت گروه موضوعی شامل اجتماعی

۱۳۰۹ جمله، ورزشی ۲۲۶۲ جمله، فرهنگی ۱۶۶۲ جمله، دینی ۶۴۷ جمله، سیاسی ۱۴۵۵ جمله، حوادث ۱۰۱۱ جمله، اقتصادی ۵۰۵ جمله و علمی ۱۱۶۹ جمله انتخاب گردید. از میان قالب‌ها نیز چهار قالب خبر ۳۹۳۸ جمله، گزارش ۳۴۹۹ جمله، مصاحبه ۹۴۰ جمله و مقاله ۳۹۴۳ جمله انتخاب گردید تا در سه حوزه اساسی ویرایش فنی (شامل رسم‌الخط و املاهای فارسی، نشانه‌گذاری، صفحه‌بندی و عنوان‌بندی، پاراگراف‌بندی)، زبانی (شامل رعایت‌نکردن تطابق فعل و فاعل در مفرد و جمع؛ کاربرد نادرست شکل مجهول؛ آوردن را پس از فعل، به جای آوردن آن پس از مفعول؛ کاربرد نابجای فعل داشتن؛ آوردن صفات نامتناسب با موصوف؛ به کار بردن فعل‌های مرکب به جای بسیط، به کار بردن اسم مفعول به جای فعل شخصی؛ حذف بی‌جای فعل؛ کاربرد زمان حال به جای گذشته و مانند آن) و بلاغی (مثل کاربرد بیش از حد کلمات مترادف؛ درازگویی؛ حشو و مانند آن) بررسی می‌شود.

تعدادی از غیرمعیارها، به دلیل رواج فراوان و حتی تبدیل‌شدن به عرف در مطبوعات، از حوزه کار این پژوهش خارج شد. برای مثال، در بیشتر و شاید تمام روزنامه‌ها از تنوین، تشدید، همزه، فتحه، کسره و به طور کلی همه مصوت‌های کوتاه و نیز برخی از علائم نشانه‌گذاری مانند قلاب، ستاره و گیومه، استفاده نمی‌شود. در بخش رسم‌الخط، شیوه خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان فارسی و در بخش ویرایش زبانی، دو کتاب «غلط‌نویسیم» و «درست‌نویسی» را مبنا قرار دادیم. به دلیل نبود قواعد یکسان در برخی موارد یا مجوزهای دوگانه برای برخی کاربردها نظیر جدا یا سرهم نوشتن‌های جمع و یای میانجی، این موارد از فهرست اشکالات خارج گردید.

کوشیده‌ایم در ثبت غیرمعیارها، بخصوص در حوزه‌های زبانی و بلاغی، از دخالت ذوق و سلیقه شخصی پرهیز کنیم و در عوض، به مشترکات و اشکالات کاملاً روشن بپردازیم. با این حال، ممکن است، هنوز هم، هر ویراستاری بتواند جملات اصلاح‌شده را به زعم خود بار دیگر ویرایش کند.

تعریف مفاهیم

تعریف و ساختار زبان

تعریف زبان، به نحوی که مورد قبول همه زبان‌شناسان و دیگر دانشمندانی باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی

می‌شود. زبان پدیده‌ای بسیار پیچیده است که مطالعه آن را نمی‌توان به یک قلمرو محدود کرد. زبان دارای جنبه‌های فراوانی است. از یک سو، وسیله ارتباط بین افراد جامعه است و از سوی دیگر، وسیله بیان افکار و احساسات ماست (باطنی، ۱۳۷۶: ۱). یا به قول جان لاک، بند عظیمی است که جامعه را نگاه می‌دارد (صفوی، ۱۳۷۷: ۴۷).

عوامل مؤثر بر تحولات زبانی

عوامل متعددی که موجب دگرگونی زبان می‌شوند، به دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی یا فرازبانی تقسیم می‌شوند. تغییرات درونی زبان از ساختار درونی و پیچیدگی‌های خاص آن نشأت می‌گیرند، در حالی که تغییرات بیرونی از عوامل غیر زبانی مانند عوامل اجتماعی، تاریخی، سیاسی، مذهبی و جز آن متأثرند.

به طور کلی، تغییرات درونی که در حوزه‌های مختلف زبان تجلی می‌کنند، شامل دگرگونی‌های آوایی، دگرگونی‌های دستوری و دگرگونی‌های واژگانی هستند. سرعت تغییرات زبانی در زمینه‌های گوناگون آوایی یا تلفظی، دستوری و واژگانی یکسان نیست (مدرسی، ۱۳۶۸: ۵). زبان‌شناسان تغییرات آوایی را به چند دسته همگونی، حذف واج‌ها، افزایش واج‌ها و قلب یا جابه‌جایی تقسیم می‌کنند. تغییرات دستوری زبان معمولاً محدود هستند و اغلب با تغییرات واژگانی تلفیق می‌شوند. تغییرات واژگانی گسترده‌تر و آشکارتر از دیگر تحولات زبانی هستند.

تغییرات بیرونی زبان متأثر از عوامل برون‌زبانی یا فرازبانی است که از مهمترین آنها می‌توان به ضرورت‌های زبانی جامعه از جمله کشف‌های علمی و پیشرفت‌های فن‌آوری، عوامل مذهبی، مهاجرت، عوامل تاریخی، تحولات سیاسی - اجتماعی، تأثیر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، برخورد زبان‌ها، قرض‌گیری‌های زبانی، گسترش شهرنشینی و سواد عمومی اشاره کرد (صص ۱۲ و ۱۳).

زبان معیار و معیارسازی

زبان معیار (گفتاری و نوشتاری)، به صورتی از زبان اطلاق می‌شود که مردمان هر کشور (با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف) آن را به عنوان بهترین و مؤثرترین وسیله ارتباطی به کار می‌برند. زبان معیار، گونه‌ای معتبر از هر زبان است که بیشتر، گویندگان تحصیل‌کرده در مراکز فرهنگی و سیاسی هر کشور به کار می‌برند. گونه معیار ورای گونه‌های منطقه‌ای و اجتماعی هر زبان است و اغلب در حکم زبان رسمی در آموزش

و رسانه‌های گروهی و نوشتار و دیگر موقعیت‌های مشابه استفاده می‌شود (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۳۲ و ۲۳۳) زبان معیار ثبات دارد، انعطاف‌پذیر است و می‌تواند اصطلاحات جدید را بیافریند. همچنین، زبان معیار باعث وحدت‌بخشی گویشوران آن زبان و موجب تفکیک زبان‌های مجاور می‌شود. این زبان، برای گویندگان خود اعتبار ایجاد می‌کند و نقش مرجعیت دارد (صص ۲۳۳ و ۲۳۴).

زبان معیار زبان درس‌خوانندگان و تحصیل‌کردگان و زبان آموزشی در مدارس و دانشگاه‌هاست؛ وسیله ارتباطی میان افرادی است که در سایر وضعیت‌ها، به لهجه‌های محلی و اجتماعی خود سخن می‌گویند و نقش وحدت‌دهندگی، اعتباردهندگی و مرجعیت دارد.

منابع معیارسازی عبارت‌اند از:

- ۱- زبان کهن فارسی براساس آثار معتبر؛
- ۲- مراجع علمی و دانشگاهی، بخصوص فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛
- ۳- زبان گفتار و نوشتار امروز طبقه تحصیل‌کرده جامعه؛
- ۴- نثرهای معاصر از استادان برجسته زبان فارسی که معیار نثر فصیح امروزی است؛
- ۵- کتاب‌ها، مقالات و ... که در زمینه درست‌نویسی نگاشته و قبول عام یافته است؛ آنچه زبان را از معیار دور می‌سازد، عبارت است از:
 - ۱- کاربرد عناصر زبانی متروک و مهجور در سطح‌های آوایی، صرفی، نحوی و معنایی و عناصر قاموسی و دستوری؛
 - ۲- اصرار در سرهنویسی، عربی‌مآبی و عامیانه‌گرایی که ضعف زبان را در پی دارند؛
 - ۳- گرت‌برداری از زبان‌های بیگانه از طریق ترجمه، تبلیغات و رسانه‌ها؛
 - ۴- کاربرد عناصر زبان محلی و محاوره‌ای و اصرار و افراط در آن؛
 - ۵- استفاده غیرضروری از عناصر ادبی و فرازبانی؛
 - ۶- کاربرد گونه‌های صنفی و سبک‌های اجتماعی در غیرموارد ضروری و بدون تمایز و توضیح؛
 - ۷- شکسته‌نویسی در غیرموارد ضروری.

گونه‌های زبان معیار

در حال حاضر، زبان فارسی دارای دو گونه معیار است: زبان معیار نوشتاری و زبان

معیار گفتاری. گفتار و نوشتار دو گونه متفاوت زبان فارسی هستند که از نظر دستور و واژگان با هم تفاوت‌هایی دارند (باطنی، ۱۳۷۶: ۱۱).

فارسی معیار نوشتاری، به آن گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که در عصر حاضر وسیله ارتباطی زبانی در کتاب‌های درسی و نوشته‌های علمی و بخش‌هایی از مطبوعات و بعضی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون مانند اخبار و جز آن به کار می‌رود. این زبان از نظر تاریخی دنباله زبان فارسی دری است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۳).

زبان معیار گفتاری، برخلاف آنچه گاهی تصور می‌شود، با زبان گفتار معمولی و روزمره متفاوت است. حتی گفتگوهای موجود در نمایش‌ها و داستان‌ها از جمله آنهایی که به صورت شکسته نوشته می‌شوند، با زبان گفتار معمولی در زندگی عادی فرق دارند. فرق این دو در آن است که گفتار معمولی واقعیتی طبیعی است، حال آنکه گفتار رسمی در همه اشکالش واقعیتی فرهنگی و انسان‌ساخته است (حق‌شناس، ۱۳۷۱: ۶۶).

همچنانکه زبان در سطح گفتار، پدیده‌ای یکپارچه نیست و دارای گونه‌های متنوع است، در سطح نوشتار نیز می‌توان گونه‌های مختلفی از زبان را از یکدیگر تفکیک کرد؛ هرچند به نظر می‌رسد تفکیک گونه‌های زبان نوشتاری چندان ساده نباشد. ذوالفقاری (۱۳۸۴، ج ۱: ۱۹-۲۹). مهمترین گونه‌های زبان معیار نوشتاری را به شرح زیر برمی‌شمرد:

- ۱- گونه علمی؛ ۲- گونه ادبی؛ ۳- گونه اداری؛ ۴- گونه کودکان؛ ۵- گونه مطبوعاتی.

چنان‌که در این تقسیم‌بندی دیده می‌شود، زبان مطبوعات خود گونه مستقلی به شمار می‌آید که با توجه به موضوع، قالب، بیان، مخاطب و حجم، انواعی دارد.

زبان مطبوعات

در دوران معاصر، به ویژه در کشور ما، رسانه‌های همگانی از جمله مطبوعات، نقش عمده‌ای در گفت و شنود ملی و لاجرم تأثیر گسترده‌ای بر سرنوشت زبان گذاشته‌اند. کلام، عمده‌ترین ابزار این رسانه‌هاست که هر روزه با توده عظیمی از مردم سخن می‌گویند. با توجه به این واقعیت که شمار کم‌سوادان کشور ما بسیار است و در نظام آموزشی ما، آموزش زبان فارسی به نحو ناقصی صورت می‌گیرد و دانش‌آموختگان، زبان فارسی را خوب نمی‌آموزند و چندان مهارتی در به کارگیری آن کسب نمی‌کنند، کیفیت زبان رسانه‌های همگانی، آنان را به سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد و خواه‌ناخواه به الگوبرداری و پیروی وامی‌دارد.

«به نظر می‌رسد نقش رسانه‌های همگانی ایران در سلامت زبان فارسی، مهم‌تر و مؤثرتر از نقشی است که رسانه‌های همگانی کشورهای پیشرفته در سلامت زبان ملی خود دارند؛ زیرا در آن کشورها، نظام آموزشی زبان را تا آن حد به مردم می‌آموزد و در به کارگیری آن ماهر می‌سازد که در برابر غلطها و کج‌سلیقگی‌های احتمالی رسانه‌های همگانی ایمنی نسبی کسب کنند، حال آن که در کشور ما چنین نیست و غلطها و کج‌سلیقگی‌های زبانی رسانه‌های همگانی، به سرعت در میان مردم رایج می‌شود و زبان را آلوده و بیمار می‌سازد» (ایرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۷).

اینکه رسانه‌ها سبب آسان‌تر شدن ارتباطات درون جوامع و ارتباطات بین جوامع می‌شوند، آثار زبانی دیگری را نیز علاوه بر آنچه گفته شد، در پی دارد؛ مثلاً باعث زوال زبان‌های غیررسمی و گویش‌های محلی یک کشور می‌شود و گسترش و یکپارچگی زبانی را پدید می‌آورد. همچنین باعث شیوع یک الگوی زبانی در طبقات مختلف جامعه می‌شود، یعنی افراد طبقه پایین تحت تأثیر رسانه‌ها از رفتار زبانی طبقات بالای جامعه تقلید می‌کنند. طبقات بالاتر به نوبه خود گرایش‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند و صورت‌های زبانی دیگری را به کار می‌گیرند، ولی در درازمدت ممکن است گوناگونی و تنوعات یک جامعه‌ی زبانی به تدریج از میان برود (مدرسی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

کاسته شدن از گوناگونی‌ها و تفاوت‌های زبانی اعضای جامعه زبانی از طریق رسانه‌ها، می‌تواند به روندی منجر شود که وحدت زبانی نامیده می‌شود. «زبان مشترک، گاهی در وحدت یک گروه مؤثرتر از سایر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. زبان می‌تواند عامل بسیار مهمی در همانندی گروهی، همبستگی گروهی و علامت‌رسانی تفاوت باشد» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۳۱). «اما مهمترین نقش رسانه‌هایی چون مطبوعات، نقش آموزشی است. با توجه به نقش فراگیر رسانه‌ها، میزان آنچه از طریق مراجع رسمی آموخته می‌شود، با میزان تأثیرپذیری از رسانه‌ها اصلاً قابل مقایسه نیست» (ملکان، ۱۳۶۵: ۴۷).

میزان نفوذ وسایل ارتباط جمعی و گستردگی آنها باعث شده است مفهومی به نام فرهنگ جمعی پدید آید که عناصر مختلف آن، به ویژه زبان تحت تأثیر مستقیم رسانه‌ها قرار گیرد. «اگر سیاست فرهنگی و راهبرد آموزشی مشخصی وجود داشته باشد، رسانه‌ها نه تنها می‌توانند در باروری فرهنگ جمعی نقش اساسی داشته باشند، بلکه بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌توانند بسیاری از کمبودها را نیز جبران کنند و بر مشکلاتی چون کمبود فضای آموزشی، کمبود علم، دشوار بودن دسترسی به نقاط

دورافتاده و... فائق آیند» (حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۰۴).

با توجه به آنچه گذشت، درباره نقش مهم رسانه‌ها در تأثیرگذاری بر زبان تردیدی نیست، اما به نظر می‌رسد در کشور ما، رسانه‌هایی چون مطبوعات، تا کنون از مهمترین ابزار خود یعنی زبان به خوبی استفاده نکرده‌اند. صاحب‌نظران بر آنند که مشکلات و موانعی در کار رسانه‌ها وجود دارد و تا زمانی که این مشکلات برطرف نشوند، نمی‌توان در این زمینه به افق‌های روشنی امیدوار بود. برخی از انتقادهایی که از زبان رسانه‌ها می‌شود، چنین است:

رسانه‌ها به طرف تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است. ما از یک سو به ادبا، شعرا و زبانمان افتخار می‌کنیم و زبان فارسی را از شیرین‌ترین زبان‌ها می‌دانیم و از سوی دیگر، می‌بینیم که رسانه‌ها به سوی تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است. زبان رسانه‌های ما به طور اعم، زبانی است که در حالت شتابزدگی و بی‌توجهی به قواعد «ساخته» می‌شود و مطالب علمی آن در بهترین شرایط، محصول ترجمه مکانیکی است یا حتی در صورتی که تألیف باشد، چنان تحت تأثیر اشتباهات رایج است که اگر از نظر دستوری هم غلط فاحش نداشته باشد، عبارات آن به کلی بی‌معناست (حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۱۳).

زبان رسانه‌ها پر از غلط‌های آشکار است. روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون ما با آنکه به خوبی از نقش خود در سلامت زبان فارسی باخبرند، معلوم نیست چرا به درمان این درد نمی‌پردازند (ایرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۸).

زبان رسانه‌ها ابهام و نارسایی دارد. زبان فارسی رسانه‌ها به دلیل موضع انفعالی‌اش در مقابل زبان‌های انگلیسی و عربی و فرانسوی و نیاز به سرعت در ترجمه اخبار و علوم، به سوی ابهام کشانده شده است (صفوی، ۱۳۷۷: ۵۵).

صاحب‌نظرانی که خود از نزدیک با فعالیت‌های رسانه‌ای سروکار دارند، معتقدند «این واقعیتی است که ما اکنون هیچ وسیله و صافی مؤثری برای تصفیه زبان رسانه‌های گروهی نداریم. از طرفی، زبان رسانه‌های این جامعه زبان خود جامعه است، نویسندگان رسانه‌ها از همین جامعه آمده‌اند و در همین جامعه درس خوانده‌اند، از دبستان و دبیرستان و دانشگاه عبور کرده‌اند، مقاطع متعدد نظام آموزشی را پشت سر گذاشته‌اند و ما امروز قلم به دستشان داده‌ایم یا آنها خود قلم به دست گرفته‌اند و می‌نویسند» (فیروزان، ۱۳۷۱: ۱۴۲).

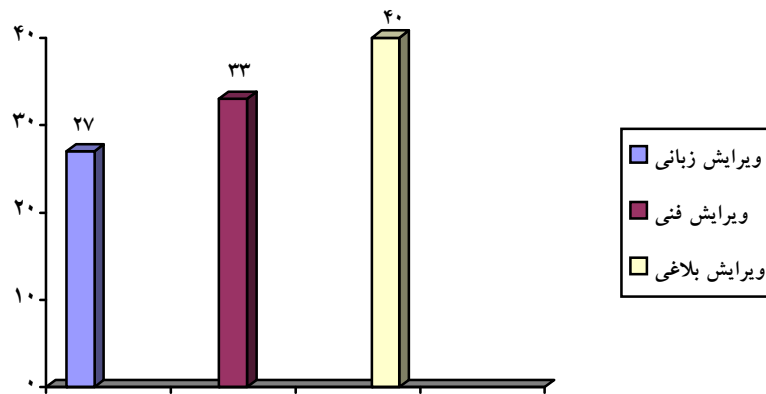
یکی از مشکلات زبان، سازمان‌دهی و گردش کار و مدیریت آن است. در

آموزش‌های رسمی، چند عنصر مشخص مثل سازمان‌دهی متن و ارزش‌یابی (ولو ناقص) وجود دارد، ولی در رسانه‌های همگانی نشانی از این همه عوامل یا برخی از آنها نیست. رسانه‌های ما، به ویژه در بخش علمی آنها در بیشتر موارد، از سیاست مشخص و تدوین‌شده پیروی نمی‌کنند. «این ناهماهنگی در مطبوعات و رسانه‌های مختلف شدت و ضعف دارد و در هر صورت، ناشی از اصول حاکم بر فعالیت آنها؛ یعنی فرهنگ، سنت‌ها و آرمان‌های اجتماعی است» (حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۰۷).

امروزه گردش کار بیشتر مطبوعات بر پایه آزمون و خطاست. اشتغال مداوم به ترجمه، ویرایش یا تولید نوشته‌ها و متون علمی عمومی، بدون آموزش مستمر، آگاهی نویسندگان را به سرعت به سطح همان موضوعات علمی عمومی تنزل می‌دهد و علاوه بر این، بی‌رغبتی این رسانه‌ها به سرمایه‌گذاری در راه تحقیق و یافتن روش‌های جدید اطلاع‌رسانی و انطباق آنها با نیازهای داخلی، استفاده مطلوب از رسانه‌ها را روز به روز کاهش می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از این رسانه‌ها به راحتی می‌توانند برای آموزش افراد خود بر مهمترین غیرمعیارهای زبان مطبوعات سرمایه‌گذاری کنند (همان، ۵۱۱).

یافته‌های پژوهش (غیرمعیارهای زبان مطبوعات)

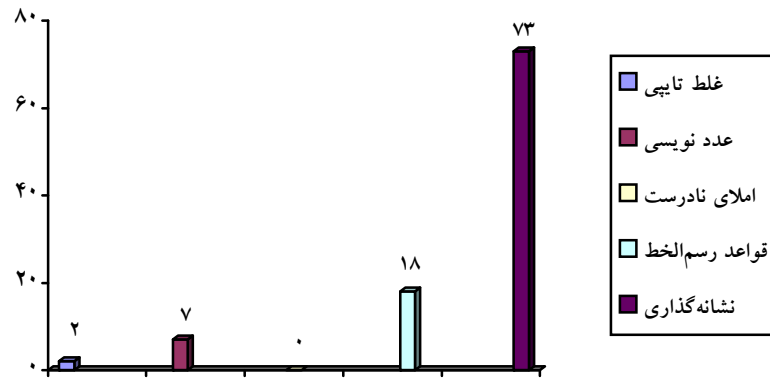
غیرمعیارهای زبان مطبوعات را می‌توان در سه حوزه ویرایش فنی، ویرایش زبانی و ویرایش بلاغی بررسی کرد. نمودار شماره (۱)، میزان اشکالات در سه حوزه یادشده را نشان داده است:



نمودار شماره ۱: میزان اشکالات در سه حوزه ویرایش فنی، ویرایش زبانی و ویرایش بلاغی

ویرایش فنی

ویرایش فنی بیشتر ناظر بر نشانه‌گذاری، املا، نادرست، غلط تایپی، رسم الخط و عددنویسی است. نمودار شماره (۲)، میزان و درصد پراکندگی غیرمعیارها در حوزه ویرایش فنی را نشان می‌دهد:



نمودار شماره ۲: میزان و درصد پراکندگی غیرمعیارها در حوزه ویرایش فنی

در حوزه ویرایش فنی، بیشترین غیرمعیار مربوط به عدم نشانه گذاری است. از میان یازده نشانه پرسامد زبان فارسی، در مطبوعات معمولاً به ترتیب کاربرد نشانه های نقطه، ویرگول و نقطه ویرگول، بیشترین کاربرد درست و نادرست (به صورت های کاربرد نابجا و زائد یا عدم کاربرد) را دارند و از هشت نشانه دیگر یا به طور محدود استفاده شده یا اصلاً استفاده نشده است (مثل قلاب یا علامت سؤال).

از مجموع ۱۵۵۲۸ مورد اشکال در ۷۲۲۴ جمله، تعداد ۳۶۳۱ مورد، معادل ۲۳/۴ درصد از کل اشکالات مربوط به نشانه گذاری است که این رقم در مقیاس کل اشکالات بسیار زیاد است. این مسأله بیانگر آن است که در مطبوعات به امر نشانه گذاری که صورتی ترین و قانونمندترین مقوله معیارسازی است توجه نمی شود.

مقایسه نشریات مختلف از نظر غیرمعیارهای ویرایش فنی، در جدول شماره (۱)

دیده می شود:

جدول شماره ۱: مقایسه نشریات مختلف از نظر غیرمعیارهای ویرایش فنی

املاي نادرست	عدد نویسی	غلط تایپی	قواعد رسم الخط	نشانه گذاری	جمع
۱۵	۳۷۷	۱۱۸	۹۳۱	۳۶۳۱	۵۰۷۲

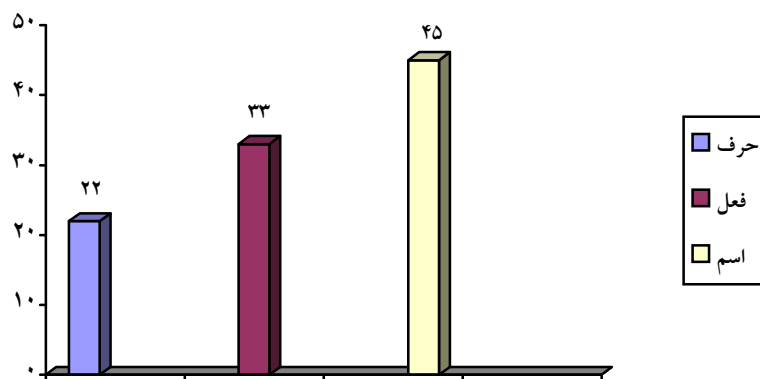
چنانکه در جدول ملاحظه می شود، در حوزه ویرایش فنی، از مجموع ۵۰۷۱ مورد

اشکال، مقوله نشانه‌گذاری، دارای بیشترین اشکالات است.

ویرایش زبانی

در این حوزه، از میان ۴۰ مورد غیرمعیارهای زبانی در طرح اولیه، در سه حوزه اسم و فعل و حرف، ۲۳ مورد انتخاب شد؛ زیرا میزان اشکالات در بقیه موارد قابل اعتنا نبود. اشکالات مربوط به هریک از این سه مورد، در نمودار شماره (۳) دیده می‌شود:

Error!



نمودار شماره ۳: اشکالات سه حوزه اسم، فعل و حرف

ریز ایرادهای سه حوزه اسم و فعل و حرف، در جدول شماره (۲) دیده می‌شود:

جدول شماره ۲: ریز اشکالات سه حوزه اسم، فعل و حرف

۱۸۶	زمان نامناسب	۱۸۶	زمان نامناسب
۲۱	شخص نامناسب	۳۰۲	حذف بی قرینه فعل
۴۳۹	صفت نامناسب	۴۱	حذف حرف اضافه
۸۲	ضمایر نامناسب	۴۳	حذف ربط
۵۳	عطف نامناسب	۱۶۵	حرف اضافه زائد
۴۲۵	فعل نامناسب	۲۳۵	حرف اضافه نامناسب
۱۱۰	قید نامناسب	۱۵	حذف را
۱۰۸۹	کاربرد اسامی بیگانه	۹۸	دوری اجزای فعل مرکب
۱۸۶	کاربرد قواعد عربی	۴۰	رای زائد

۱۲۰	مجهول نامناسب
۶۰	ناهماهنگی نهاد و فعل
۱۹۶	وجه وصفی

۴۰	رای نابجا
۲۱۲	ربط زائد
۹۲	ربط نامناسب

چنانکه در جدول دیده می‌شود، بیشترین غیرمعیار در حوزه کاربرد حرف، حرف اضافه نامناسب است. حرف اضافه، بر وابستگی متمم فعل به فعل یا جانشین فعل دلالت دارد. متمم فعل، اگر مفعول صریح باشد، حرف اضافه نمی‌خواهد. برای هر فعلی، حرف اضافه معینی مناسب است. برای برخی افعال، بیش از یک حرف اضافه مناسب وجود دارد و فعل با هر یک از آنها معنای دیگری پیدا می‌کند. مثلاً «پرداختن به ...» به معنی «مشغول شدن به ...» و «پرداختن از ...» به معنی «فارغ شدن از ...» است (سمیعی، ۱۳۷۹: ۱۶۲).

موارد زیر از کاربرد نامناسب حرف اضافه در مطبوعات، دیده می‌شود:
با وجود تلاش بازیکنان این تیم، تیم بارسلونا بازی را برای حریف واگذار کرد.
(کاربرد نادرست «برای» به جای «به»)

شکل صحیح جمله: بازی را به حریف واگذار کرد.

اجساد متعلق به یک زن و مرد آمریکایی در یک خانه مسکونی در ایالت ویرجینیا کشف شد. («متعلق به» زاید است)

شکل صحیح جمله: اجساد یک زن و مرد آمریکایی در یک خانه مسکونی ...

بیشترین غیرمعیار در حوزه کاربرد اسم، کاربرد اسامی بیگانه است. در پژوهشی که در سال ۱۳۷۶، در دفتر پژوهش‌های فرهنگی و به سفارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت، (مدرسی، ۱۳۷۶: ۱۸) نزدیک به ۳۰۰ متن از بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و هنری، آگهی، ورزشی و سیاسی ۲۴ شماره نشریه روزانه انتخاب و از نظر کاربرد واژه‌های بیگانه (اروپایی) بررسی شد. مجموعاً، ۱۳۲۰ واژه بیگانه ساده و ترکیبی در کل، ۱۶۴۴۳ بار در این متن‌ها تکرار شده‌اند. از این میان، ۳۱۶ واژه ترکیبی هستند و بسامد کل آنها به ۱۷۹۷ می‌رسد و ۱۰۰۴ واژه نیز ساده به شمار می‌آیند که بسامد کل آنها ۱۴۴۶۴ است. بنابراین، می‌توان گفت هر واژه ساده، به طور متوسط، ۱۲/۵ بار در کل متن‌های بررسی شده، تکرار شده است.

نتیجه دیگری که از این بررسی به دست می‌آید، آن است که در هر صفحه، به طور متوسط، ۹/۵ ستون و در هر ستون، ۴۱۴/۵ واژه به کار رفته است. بنابراین، از حدود ۳۹۴۰ واژه در هر صفحه، به طور متوسط، ۱۲۲ واژه بیگانه بوده است که ۴ درصد

واژه‌های یک صفحه را شامل می‌شود. از بررسی تعداد واژه‌های بیگانه در یک ستون، می‌توان دریافت که درصد وقوع واژه‌های بیگانه در بخش آگهی‌ها، بیشترین (معادل ۴۱/۷ درصد در هر ستون) و در بخش فرهنگی و هنری، کمترین (برابر ۷/۴ درصد در هر ستون) است. میزان کاربرد واژه‌های بیگانه در بخش‌های ورزشی، سیاسی و اقتصادی، میان این دو حد و به ترتیب برابر ۲۶، ۱۴ و ۱۴ درصد در ستون است.

واژه‌های فهرست‌شده در این بررسی، که بر پایه چند نشریه غیرتخصصی فراهم آمده است، غالباً غیرتخصصی و همگانی به نظر می‌رسند. نزدیک به ۹۰ درصد واژه‌های گردآمده و ۱۰ درصد واژه‌های پربسامد همین مجموعه را واژه‌های غیرتخصصی تشکیل می‌دهند و این نتیجه با یکی از هدف‌های روش‌شناختی این پژوهش، یعنی استفاده از داده‌های غیرتخصصی، همسویی دارد.

بیشترین غیرمعیار در حوزه کاربرد فعل، فعل نامناسب است. مقصود از فعل نامناسب، کاربرد نادرست افعالی مانند گردیدن، نمودن، می‌باشد، هست (به جای است)، منطبق‌نبودن زمان افعال با یکدیگر و کاربرد فعل در غیر معنی وضع‌شده و مشهور آن است. همچنین، کاربرد افعال طولانی به جای افعال کوتاه و آوردن معین‌های نامناسب و وجه نامناسب و نظایر آن از این جمله است. فعل‌های کمکی نیز کاربرد و حوزه معنایی خاصی دارند. در عین حال، امروزه استفاده نادرست از برخی از این افعال یا استفاده از آنها به جای هم، در زبان فارسی و حتی زبان نوشتاری رسمی، رایج شده است که طبق قواعد زبانی غلط است و باید از کاربرد آنها در زبان مطبوعات پرهیز کرد.

ویرایش بلاغی

چنانکه در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود، در حوزه ویرایش بلاغی، از مجموع ۶۲۰۶ مورد اشکال، درازنویسی و تعابیر نامناسب، بیشترین بسامد را دارند:

جدول شماره ۳: ریز اشکالات حوزه ویرایش بلاغی

بیگانه	الگوهای بیگانه	تعابیر عامیانه	تعابیر ناقص	تعابیر نامناسب	تکرار جمله	جایگانی از کتان	سوء	درازنویسی	مبهم و پیچیده	تکرار بی‌نیازی	جمع
۲۷	۳۵۷	۲۱۱	۱۰۵۴۶	۲۸۳	۴۵۹	۱۳۲۷	۱۵۰۷	۳۲۸	۱۶۱	۶۲۰۶	

پدیده‌ای زبانی که به «درازنویسی» شهرت یافته است، تحت تأثیر عواملی چون گرایش به ادبی‌نویسی یا استفاده از افعال و اصطلاحات کلیشه‌ای و آوردن عبارات طولانی به وجود آمده است. مطالب مطبوعات را باید با جمله‌های کوتاه و رسا به صورتی نوشت که قابل فهم و درک باشد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد درک مفاهیم هر جمله با تعداد واژه‌های آن رابطه معکوس دارد. هرچه تعداد واژه‌های جمله کمتر باشد، درک مفهوم آن آسان‌تر است. روزنامه‌نگار باید در مطالبی چون خبر، از نوشتن جمله‌های طولانی و مرکب خودداری کند؛ زیرا چنین نوشته‌ای نه تنها به آسانی قابل فهم نیست، بلکه خواننده را خسته و او را از خواندن خبر دلسرد می‌کند (بدیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

در تمام بخش‌های بررسی شده در این پژوهش، اغلب با جملات مستقل مرکبی روبه‌رو هستیم که تعداد آنها به مراتب بیشتر از جملات مستقل ساده است. طولانی بودن جملات مطبوعات، با ویژگی‌های مطلوب زبان رسانه تناسب ندارد. برخی از ساختارهای رایج در زبان نوشتار همچون جملات معترضه و بلند و ساختارهای طولانی، نباید در زبان مطبوعات به کار روند. این مسأله یکی از اشکالات رایج در زبان متن‌های خبری مطبوعات است که باید با تبدیل جملات طولانی به دو یا چند جمله کوتاه‌تر رفع شود. در بسیاری از موارد، طولانی شدن جملات ناشی از کاربرد قیدها، بدل‌ها یا جملات معترضه‌ای است که می‌توان آنها را از ساختار جمله حذف کرد و در جملات جداگانه‌ای آورد.

همچنین، گاهی طولانی شدن برخی از جملات، ناشی از کاربرد تکیه کلام‌ها و اصطلاحات خاصی است که امروزه دیدن آنها برای مخاطبان مطبوعات، امری عادی شده است. عباراتی نظیر: گفتنی است که، در همین حال، این در حالی است که، براساس همین گزارش، این گزارش همچنین حاکی است که و مانند آنها، که می‌توان آنها را عبارات کلیشه‌ای هم نامید، از این دست هستند.

تعابیر کلیشه‌ای که براساس کثرت تکرار و بدون تفکر، به صورت قالبی در زبان به کار می‌رود، اغلب نازیبا و گاه مبتذل‌اند؛ مثل: به‌عنوان، برحسب، زیرسؤال بردن، نسبت به، عدم، دراین راستا و... .

تعابیر متکلفانه که ناشی از فضل‌فروشی یا تظاهر به ادبی‌نویسی، کاربرد تعابیر پیچیده و دور از هم و شاخ و برگ دادن بی‌مورد است.

ترکیبات نامناسب؛ مثل ادای نماز به جای خواندن نماز، ظرفیت بجای امکانات، کاهش پیشرفت.



مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک موضوع

جدول شماره ۴: مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک موضوع

اجتماعی	اقتصادی	حوادث	دینی	سیاسی	علمی	فرهنگی	ورزشی	جمع
۳۹۹۵	۸۵۳	۱۳۸۳	۸۸۸	۱۹۱۶	۱۵۶۵	۲۴۰۰	۲۵۲۸	۱۵۵۲۸

در حوزه الگوهای زبانی غیرمعیار به تفکیک موضوع، موضوعات اجتماعی و ورزشی بیشترین اشکالات را دارند؛ زیرا این دو بخش، سطحی‌ترین بخش‌های مطبوعات هستند و اغلب به دلیل سرعت تهیه، فرصت بررسی و بازنگری پیش نمی‌آید.

مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک قالب

جدول شماره ۵: مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک قالب

خبر	گزارش	مصاحبه	مقاله	جمع
۵۳۰۸	۴۰۰۷	۱۲۸۶	۴۹۲۷	۱۵۵۲۸

در حوزه الگوهای زبانی غیرمعیار، به تفکیک قالب‌ها، خبر بیشترین اشکالات را دارد. دلیل این امر نیز روشن است؛ زیرا فوری‌ترین بخش مطبوعات خبر است که در تهیه آن کمتر دقت می‌شود.

مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک نوع نشریات

جدول شماره ۶: مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار به تفکیک نوع نشریات

جمع	سراسری	عامه پسند	محلی
۱۵۵۲۸	۸۶۷۸	۵۹۰۴	۹۴۶

در حوزه الگوهای زبانی غیرمعیار به تفکیک نوع نشریات، از مجموع ۱۴۱۷۱ مورد، نشریات سراسری و محلی، به ترتیب، دارای بیشترین و کمترین اشکالات هستند. نشریات سراسری به‌رغم شمارگان وسیع و امکانات بیشتر نسبت به نشریات دیگر، متأسفانه دقت کمتری دارند.

جمع‌بندی



برای مقایسه بهتر ۳۸ مورد غیرمعیار موضوع این پژوهش، سه گروه مورد بررسی را در جدول تفکیکی آن بر مبنای بسامد، درصد از زیر مجموعه و درصد از کل نشان می‌دهیم:



با توجه به جدول، از میان زیرمجموعه‌های ویرایش فنی، بیشترین تعداد شامل ۳۶۳ مورد، معادل ۲۳ درصد از کل اشکالات و ۷۳ درصد از اشکالات حوزه فنی را داراست که این رقم در مقایسه با کل اشکالات، بسیار زیاد است. بیشترین رخداد میان قالب‌ها، گزارش و در موضوعات، اجتماعی و درنوع نشریات عامه‌پسند است. این آمار نشان می‌دهد مطبوعات به صورتی‌ترین، بدیهی‌ترین و لازم‌ترین بخش معیارسازی زبان بی‌توجه‌اند.

نشانه‌های نگارشی در مطبوعات، یا به صورت کاربرد نادرست است و یا کاربرد زائد یا اساساً بدون کاربرد درست. از میان یازده نشانه پرسیامد در نشانه‌گذاری، تنها نقطه (.) نقطه‌ویرگول (؛) و ویرگول (،)، کاربرد (درست یا نادرست) داشته‌اند. پراکندگی نوع و شیوه استفاده از همین علائم محدود نیز نشان می‌دهد رویه خاص و علمی مد نظر نویسندگان بخش‌های مختلف مطبوعاتی نیست، بلکه اغلب کاربردها ذوقی است.

پس از نشانه‌گذاری، عدم کاربرد درست قواعد رسم‌الخط با ۱۸ درصد از کل زیرمجموعه و ۶ درصد از کل اشکالات، در این حوزه مطرح است. رسم‌الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنا بر جدول و نمودار شماره پنج در متن، تنها در چند نشریه رعایت می‌شود و اغلب نشریات، خصوصاً نشریات سراسری، در حوزه گزارش و مسائل اجتماعی از این رسم‌الخط تبعیت نمی‌کنند. در گفت‌وگو با خبرنگاران و مدیران چند رسانه، معلوم شد اساساً رسم‌الخط فرهنگستان نه از سوی مراجع رسمی مثل خود فرهنگستان یا معاونت مطبوعاتی ابلاغ شده و نه مدیران مطبوعات به مدیران داخلی و خبرنگاران اعلام و ابلاغ کرده‌اند.

از میان سه حوزه ویرایش زبانی، اسم با ۴۵ درصد، فعل با ۳۳ درصد و حرف با ۲۲ درصد، به ترتیب، بیشترین غیرمعیارها را دارد. مجموعه غیرمعیارهای این سه حوزه، ۲۳ مورد است که از میان ۴۰ مورد غیرمعیار بیش‌بینی شده در طرح اولیه، اسم با ۴۵ درصد کاربردهای غیرمعیار، بیشترین آمار را داراست. در حوزه اسم نیز کاربرد اسامی بیگانه با ۱۰۸۹ مورد، یعنی ۲۶ درصد کل ویرایش زبانی و ۷ درصد کل اشکالات، دارای بیشترین بسامد غیرمعیار است.

در حوزه فعل نیز کاربرد نامناسب فعل با ۴۵۲ مورد و حذف بی‌قرینه فعل با ۳۰۲ مورد، بیشتر غیرمعیارهای این حوزه است. شاید یکی از علل این حذف‌ها و کاربردهای نامناسب، فشردگی خبری و اختصار غیرضروری است که معمولاً آسیب‌ها، ابتدا متوجه فعل جمله می‌شود. اغلب بر اثر درازنویسی و کاربرد جملات مرکب و بلند، فعل به شکل نامناسب و یا محذوف به کار می‌رود. در حوزه حرف نیز بیشترین غیرمعیارها در حوزه حرف اضافه نامناسب است که شامل ۲۳۵ مورد در کل جملات اشکال‌دار می‌شود.

در بخش ویرایش بلاغی، از مجموع ده غیرمعیار با ۲۶۰۶ مورد اشکال، تعابیر نامناسب با ۱۵۴۶ مورد، یعنی ۲۵ درصد از اشکالات زیرمجموعه خود و ۱۰ درصد کل اشکالات مطبوعاتی بیشترین بسامد را دارد. تعابیر نامناسب شامل تعابیر کلیشه‌ای متکلفانه، غیررایج و ساختگی است که تعداد زیاد آن در مطبوعات، نشان‌دهنده تأثیرپذیری شدید آنها از الگوهای بیگانه و ترجمه اصطلاحات و تعابیر بیگانه به زبان فارسی، بدون در نظر گرفتن ملاحظات و قواعد زبانی زبان مقصد است.

بیشترین تعابیر نامناسب در مصاحبه‌ها و خبرهاست و نشریات سراسری، از این گونه تعابیر بیشتر استفاده می‌کنند. تعابیر نامناسب در موضوعات اقتصادی و ورزشی بسامد بیشتری دارد. پس از تعابیر نامناسب، درازنویسی و حشو در حوزه ویرایش بلاغی، به ترتیب با ۱۵۰۷ مورد (۱۰ درصد از کل اشکالات) و حشو با ۱۳۲۷ مورد (۲۱ درصد کل اشکالات)، پربسامدتر است. درازنویسی حاصل آوردن جملات معترضه متعدد در خبر اصلی است. همچنین، کاربرد تکیه کلام‌ها، درج چند اطلاع در یک خبر، ذکر عناوین و پست‌های سازمانی اشخاص و سازمان‌ها و تکرار آنها، باعث طولانی شدن نوشته شده است. مجلات عامه‌پسند، در دو مورد اخیر، بیشترین اشکالات را دارند. متن خبرها به نسبت بقیه قالب‌ها درازتر و طولانی‌تر است. یک دلیل طولانی شدن جملات خبری، تنگی جا، حجم زیاد اخبار، فشردگی مطالب و زمان اندک است که همگی باعث فشردگی خبر می‌شود. این فشردگی موجب حذف نا بجای فعل‌ها و در نتیجه، طولانی کردن جملات می‌گردد. از میان تمامی نشریات بیست‌ودوگانه مورد تحقیق، نشریات خانواده سبز با ۱۰۷۴ مورد و شرق با ۱۰۶۸ مورد اشکال، به ترتیب، دارای بیشترین اشکالات در تمامی حوزه‌های ویرایشی هستند.

نشریات امین و خبر جنوب نیز کمترین اشکالات را دارند. دو نشریه پراشکال از نشریات عامه‌پسند و سراسری و کم‌اشکال، از نشریات محلی هستند. این نتایج، سؤال شماره سه تحقیق، که الگوهای زبانی غیرمعیار در مطبوعات محلی و عامه‌پسند را بیشتر از سراسری می‌داند، را نقض می‌کند.

سؤال شماره دو طرح، که قالب خبر را دارای بیشترین اشکالات می‌داند، اثبات می‌شود. بیشترین موارد اشکال، به ترتیب، در اخبار، مقالات و گزارش‌ها دیده می‌شود. در عین حال، در بخش دوم سؤال شماره دو، ادعا شده است که موضوعات سیاسی و اجتماعی، دارای بیشترین اشکالات است که موضوعات اجتماعی و اقتصادی در نتایج طرح، بیشترین غیرمعیارها را به خود اختصاص می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در جمع، در سه حوزه اساسی ویرایش (فنی، زبانی و بلاغی)، ۸۳۲۹ جمله (۶۷/۷ درصد) یک یا چند اشکال دارد و ۳۹۸۱ جمله (۳۲/۳ درصد) از کل جملات، بدون اشکال است. از میان ۸۳۳۹ جمله غیرمعیار، جمعاً ۱۵۲۵۸ مورد اشکال وجود دارد؛ یعنی در هر جمله، به طور متوسط، دو اشکال دیده می‌شود. این نتیجه درست خلاف فرضیه یک طرح است که تنها ۳ درصد از جملات مطبوعاتی را دارای اشکال می‌داند. این نتیجه، سؤال چهار طرح را نیز ابطال می‌کند؛ زیرا تعداد اشکالات به ترتیب زیر است:

سؤال: فنی، زبانی، بلاغی

نتایج طرح: بلاغی، فنی، زبانی

میزان اشکالات در سه حوزه فنی ۵/۰۷۱ مورد؛ یعنی ۰/۳۳، زبانی ۴۲۵۰ مورد؛ یعنی ۰/۲۷ و بلاغی ۶/۲۰۶ مورد؛ یعنی ۰/۴۰ است.

وضعیت زبان در مطبوعات کشور، به گواهی مقاله ارائه‌شده، چندان مطلوب نیست. این گزارش هشدار و زنگ خطری برای مسئولان اجرایی و تصمیم‌گیر است. لازم است ایشان بیش از همیشه و پیش از آنکه کنترل زبان مطبوعات از دست خارج شود، تدابیری در کوتاه، میان و بلندمدت بیندیشند.

منابع:

- ۱- ابراهیمی، ژیلا (۱۳۷۹): *زبان در مطبوعات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر علی افخمی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲- ایرانی، ناصر (۱۳۷۵): «زبان فارسی را حفظ کنیم»، *درباره زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۵): *چهار گفتار درباره زبان*، تهران: آگاه.
- ۴- ----- (۱۳۶۳): *نگاهی تازه به دستور زبان*، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- ۵- ----- (۱۳۷۴): «رابطه زبان و تفکر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، سال دوم، ش ۸-۶، پاییز ۱۳۷۳ تا بهار ۱۳۷۴.
- ۶- ----- (۱۳۷۶): *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- ۷- بدیعی، نعیم و حسین قندی (۱۳۸۳): *روزنامه‌نگاری نوین*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- ۸- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۶)؛ *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ یازدهم، تهران: کتابخانه گنج بخش.
- ۹- ترادگیل، پیتز (۱۳۷۶)؛ *زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- ۱۰- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۱)؛ «زبان، زبان‌شناس، ویراستار»، *دومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما، سروش*، ش ۲۵ و ۲۳.
- ۱۱- حیدرزاده، توفیق (۱۳۶۵)؛ «نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم و مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه‌ها»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- دستور خط فارسی (۱۳۸۲)؛ *فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب.
- ۱۳- دی. ویمر، راجر و جوزف آر دومینیک (۱۳۸۴)؛ *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۴- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲)؛ *درست‌نویسی*، چاپ دوم، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۵- ----- (۱۳۸۴)؛ *کتاب کار نگارش و اثسا*، ۲ جلد، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۶- سارلی، ناصرقلی (۱۳۷۹)؛ *زبان معیار و صداوسیما* (گزارش پژوهشی)، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما، ش ۸۱.
- ۱۷- سارلی، ناصرقلی و حسین بیات (۱۳۸۵)؛ *بررسی اشکالات نحوی زبان خبر بر اساس دستور ساختاری* (گزارش پژوهشی)، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما، ش ۱۹.
- ۱۸- سمیعی‌گیلانی، احمد (۱۳۷۵)؛ «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در صداوسیما»، *درباره زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۹- صفوی، کورش (مترجم) (۱۳۷۷)؛ *زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح*، تهران: هرمس.
- ۲۰- عسکری‌خانقاه، اصغر (۱۳۷۱)؛ «زبان در معبر زبان‌شناسی و مردم‌شناسی»، *فرهنگ*، کتاب سیزدهم، ویژه زبان‌شناسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۱- فالک، جولیا (۱۳۷۳)؛ *زبان‌شناسی و زبان*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۲- فیروزان، مهدی (۱۳۷۱)؛ «تأثیر متقابل زبان رسانه‌ها»، *دومین سمینار زبان فارسی در صداوسیما*، تهران: سروش، ش ۲۳ و ۲۵.
- ۲۳- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳)؛ *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ۲۴- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)؛ *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۵- ----- (۱۳۷۶)؛ *پژوهشی در واژه‌های بیگانه اروپایی در نشریات فارسی* (طرح پژوهشی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۶- ملکان، مجید (۱۳۶۵)؛ «مشکلات زبان فارسی به عنوان زبان علم»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۷- میرحیدر(مهاجرانی)، دره (۱۳۵۷)؛ *مبانی جغرافیای سیاسی*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- ۲۸- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۵)؛ «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، *درباره زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۹- ----- (۱۳۸۰)؛ *غلط‌نویسیم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۰- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۵)؛ «افراط و تفریط و اعتدال در نگارش فارسی»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.